

## رساله الحقوق

ما تا اینجا در مورد چندین حق بحث کردیم، یکی حق الله بود، یکی حق النفس بود (حق الانسان علی نفسه) که به تفصیل بیان شد، بعد سراغ حق الاعضاء رفتیم، گوش را فرمودند، زبان و چشم حقشان بیان شد. چهارمین عضوی که حضرت در مورد آن صحبت می‌کند حق پا است

### حق پا

«وَأَمَّا حَقُّ رَجُلَيْكَ فَإِنَّ لَكَ تَمَشِيَّ بِيَهُمَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ لَا تَجْعَلَهَا مَطِيَّتَكَ فِي الطَّرِيقِ الْمُسْتَخْفَةِ بِأَهْلِهَا فِيهَا فَإِنَّهَا حَامِلَتُكَ وَ سَالِكَةُ بِكَ مَسْلُكَ الدِّينِ وَ السَّبْقِ لَكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» البته در برخی نسخه‌ها، نسخه من لایحضر و خصال یک جمله‌ای اضافه دارد «فبهما تقف علی الصراط، فانظر أن لا تزلا بك فتؤدى فى النار». ما ابتدا یک بیان اجمالی از این فقره ارائه می‌دهیم و بعد جزئیات آن را شرح خواهیم داد.

### بیان اجمالی

«وَأَمَّا حَقُّ رَجُلَيْكَ» و اما حق پاهای تو این است که:

۱. «أَنَّ لَكَ تَمَشِيَّ بِيَهُمَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ»: حق پای تو این است که با این دو پا، چیزی را که بر تو حلال نیست نپیمایی. یعنی با این دو پا حرکت نکنی به سوی چیزی که برای تو حلال نیست، که البته اینها را توضیح می‌دهیم.

۲. «وَأَنَّ تَجْعَلَهَا مَطِيَّتَكَ فِي الطَّرِيقِ الْمُسْتَخْفَةِ بِأَهْلِهَا فِيهَا»، اینکه پاهای خود را مرکب راهی که باعث زبونی و خواری خود می‌شود نکنی. این فرق می‌کند با اولی؛ در مورد چشم هم اگر یادتان باشد اولین حق را فرمودند این است که نگاه حرام نداشته باشی، این حرام، همه امور محرمه را در بر می‌گیرد و بعد فرمودند «وَتَرَكُ ابْتِدَالَهُ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ» رها و یله هم نباشد که به هر چیزی نگاه کند، نگاه باید به موضع عبرت باشد، برای انسان باید یک نفع و فایده‌ای داشته باشد. اینجا نیز در مورد پا، اول می‌گویند با این پا کار حرام نباید بکنی، راه حرام نباید بروی، بعد می‌گویند با این پاها در مسیری قدم نگذاری که موجب خواری و زبونی تو شود. زیرا یک کارهایی ممکن است حرام نباشد اما الْمُسْتَخْفَةَ بِأَهْلِهَا باشد، تعبیر به مرکب به کار برده، گاهی پای انسان مرکب انسان می‌شوند برای اینکه انسان را به جایی ببرند که موجب خواری و زبونی شود، این کلمات متفاوت از آن فراز اول است.

بعد می‌فرماید «فَإِنَّهَا حَامِلَتُكَ وَ سَالِكَةُ بِكَ»، می‌گوید چرا نباید در این مسیر حرکت کنی؟ این چرا نباید نگاه ناروا داشته باشی؟ یا به تعبیر دیگر چرا این دو کار را نباید بکنی؟ پس چه کار باید کرد با پا؟ بخش ایجابی است، آن دو سلبی بود و این ایجابی؛ می‌گوید برای اینکه این دو پا حمل‌کننده توست و این دوتا تو را در این مسیرها باید قرار بدهد، کدام مسیر؟ در راه دین، «سَالِكَةُ بِكَ مَسْلُكَ الدِّينِ» پا باید مرکب انسان باشد و انسان را در مسیر دین حرکت دهد و سبقت گرفتن و پیشی گرفتن در کارهای خیر و نیکو «وَالسَّبْقِ لَكَ»، سبق در خیرات، «وَأَنَّ قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و این جز با کمک پروردگار محقق نخواهد داشت.

بعد آن اضافه‌ای که در نسخه من لایحضر آمده خیلی مطلب بلندی است، «فبهما تقف علی الصراط» با این دو پا بر صراط می‌ایستی، «فانظر» پس دقت کن «أَنَّ لَا تَزَلَا بِكَ» این دو موجب لغزش تو نشوند، این دو نلغزند که اگر بلغزند «فتؤدى فى النار» به آتش افکنده خواهی شد.

حال بعد خواهیم گفت اینکه می گوید «فبهما تقف علی الصراط» مراقب باش نغزلند، آیا اشاره به این دارد که در قیامت صراطی است که تو باید این پاهات سالم باشند که آن پل را رد کنی؟ نه، این اشاره دارد به اینکه همین الان ما روی پل صراط حرکت می کنیم، ما همین الان از روی پل صراط عبور می کنیم، هر کسی در دنیا دارد از روی پل صراط عبور می کند مراقب باشد که این پاها در مسیر ناروا و حرام و چیزی که موجب استخفاف و زیونی باشد، حرکت نکند.

«والحمد لله رب العالمین»